

ناتوانی بیمه پردازان و خطر خروج فرودستان از چتر حمایت‌های اجتماعی

تعلل چندین ساله در ایجاد نظام بیمه‌ای چندلایه



نسرین هزاره مقدم

خودش را یک «دست‌فروش» معرفی می‌کند، کسی که سال‌های بسیار است در خیابان انقلاب تهران، بساط پهن می‌کند. می‌گوید: «نامم را به هزار زحمت به دست می‌آورم اما از آینده‌نگرانم...»

این مرد که سال‌هاست به خاطر نگرانی از آینده و مسائل‌های پیری و کپولت، از بیمه‌های اختیاری تامین اجتماعی استفاده می‌کند، از بالا رفتن شدید نرخ حق بیمه اختیاری در سال جدید انتقاد دارد. می‌گوید: «خودم را بیمه کرده‌ام که بعد ۳۰ سال بتوانم از یک حداقل مستمری بازنشستگی برخوردار شوم اما دیگر از پس هزینه‌های کمرشکن بیمه اختیاری بر نمی‌آیم. مجبورم بیمه‌پردازی را قطع کنم. ماهی نزدیکی به ۵۰۰ هزار تومان باید حق بیمه بپردازم و پرداخت این مبلغ دیگر در توانم نیست.»

امروزه طیف گسترده‌ای از شاغلان و بیسکاران از بیمه‌های غیر اجباری استفاده می‌کنند. به جز بیمه مشاغل آزاد که صاحبان حرف و مشاغل را در بر می‌گیرد، گزینهای به نام بیمه اختیاری هم وجود دارد که شامل کسانی می‌شود که در مشاغل فرودست‌تر مثل رانندگی پاره‌وقت، دست‌فروشی یا کار در مشاغل خانگی، روزگار می‌گذرانند. بیمه‌شدگان اختیاری، شامل کارگرانی نیز می‌شود که به جمع بیسکاران پیوسته‌اند و نمی‌خواهند تا زمان پیدا کردن شغل جدید، در سایه بیمه‌پردازی‌شان وقفه بیفتد.

تفاوت بیمه مشاغل آزاد با بیمه اختیاری

تفاوت بیمه مشاغل آزاد با بیمه اختیاری در جزئیات بیمه‌پردازی است. بیمه اختیاری دارای تنها یک نرخ ۲۷ درصد است و شامل از کارفتادگی (در افتاده نبوده باشد)، بازنشستگی و فوت (شامل پرداخت مستمری به بازماندگان واجد شرایط) می‌شود اما بیمه مشاغل آزاد دارای سه نرخ اختیاری است. نرخ حق بیمه ۱۲ درصد به این معناست که تنها زمانی که بیمه‌شده بازنشسته شود، مستمری دریافت می‌کند و با مرگ وی مستمری به بازماندگان تعلق نمی‌گیرد. بیمه بازنشستگی و فوت با نرخ حق بیمه ۱۴ درصد که علاوه بر بازنشستگی در صورتی که بیمه‌شده قبل و بعد از بازنشستگی فوت کند، به بازماندگان واجد شرایط، مستمری پرداخت می‌شود و نوع سوم که کامل‌ترین نرخ حق بیمه مشاغل آزاد است، نرخ ۱۸ درصد بوده که علاوه بر اینکه تعهدات بلندمدت مشابه بیمه اختیاری دارد، دارای از کارفتادگی کلی حادثه ناشی از کار نیز هست. بیمه اختیاری سرانه در مان ندارد و در مان آن اجباری است در صورتی که انتخاب در مان در هر سه نوع نرخ بیمه مشاغل، اختیاری بوده و در صورت انتخاب در مان به ازای هر دفترچه در مان، مبلغی به نرخ‌های مذکور در هر ماه اضافه می‌شود و به همین دلیل است که در مان بیمه مشاغل دارای فرانشیز است، به این معنی که در صورت مراجعه به مراکز در مان ملی و طرف قرارداد، باید مبلغی را به عنوان سهم بیمار پرداخت کنند و هزینه‌های

پروژه و آروتر به آن تعلق نمی‌گیرد. جدا از این تفاوت‌ها، مساله اینجاست که اکثر کسانی که بیمه پرداز اختیاری هستند، از پس افزایش مبلغ حق بیمه در سال جدید بر نمی‌آیند. امسال با افزایش ۳۶ درصدی حداقل دستمزد کارگران، نرخ حق بیمه اختیاری افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. در حال حاضر حق بیمه اختیاری برای ماه‌های ۳۱ روز، ۵ میلیون و ۷۸ هزار و ۵۱۷ ریال و برای ماه‌های ۳۰ روز، ۴ میلیون و ۹۱۴ هزار و ۶۹۴ ریال است.

پرداخت این مبلغ برای بخش عظیمی از بیمه‌شدگان اختیاری اگر نتوانیم غیر ممکن، بسیار دشوار است و این خطر وجود دارد که خانواده‌های بسیاری، بالاجبار از چتر خدمات حمایتی و بیمه خارج شوند. این در حالیست که اصل ۲۹ قانون اساسی، به صراحت می‌گوید «بر خوراری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیسکاری، پیری، از کارفتادگی، بی سرپستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.»

حال سئوال اینجاست که برای دست‌فروشی که نمی‌تواند حق بیمه ماهانه ۵۰۰ هزار تومانی را تقبل کند، تکلیف دولت کجای معادله قرار می‌گیرد. چرا این دست‌فروش، هیچ سهمی از حق همگانی تأکید شده در اصل ۲۹ قانون اساسی ندارد؟

باید دولت به دنبال راهکاری میان مدت و حتی کوتاه مدت برای افرادی باشند که مثل دست‌فروشان خیابان انقلاب، دیگر توان بیمه پردازی ندارند. مگر یکی از حقوق همگانی شهروندان در اصل ۲۹ قانون اساسی، بر خوراری از خدمات بیمه نیست؟!

۲۴ اردیبهشت ماه سال جاری، سرپرست وقت سازمان تأمین اجتماعی در ارتباط با افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی نرخ حق بیمه‌های اختیاری در سال ۹۸ گفت: «هر سال شورای عالی کار حداقل دستمزد را افزایش می‌دهد و به تبع آن سازمان تأمین اجتماعی ناچار است نرخ حق بیمه را افزایش بدهد. خود ما در هیچ برهه زمانی نرخ حق بیمه را تغییر نداده‌ایم ولی چون هر سال شورای عالی کار حداقل دستمزد را تغییر می‌دهد، این تغییرات روی حق بیمه پرداختی نیز تأثیر می‌گذارد. امسال حداقل حقوق تا ۳۶۵۰۰۰ ریال افزایش یافت که روی افزایش نرخ حق بیمه اختیاری بی‌تأثیر نبوده است. از سوی دیگر، افزایش حق بیمه در یافتی باعث می‌شود ما در نهایت حقوق مستمری بگیران را هم افزایش دهیم.»

مقصر دولت است نه تأمین اجتماعی
در این بین، مقصر ناتوانی بیمه‌پردازان اختیاری سازمان تأمین اجتماعی نیست. این سازمان که

تعهدات گسترده‌ای نسبت به کارگران و بازنشستگان تحت پوشش خود دارد، نباید بار تکالیف دولت را بر دوش بکشد. در مورد بیمه‌شدگان اختیاری و حتی گروه‌هایی از بیمه‌شدگان مشاغل آزاد که تمکن مالی مناسب ندارند و نمی‌توانند به‌طور مداوم بیمه‌پردازی انجام دهند، وظیفه دولت است که به میدان بیاورد و با ارائه بسته‌های حمایتی تفکیکی و مدون از طبقات فرودست و ناتوان، حمایت کند.

مشکل از آنجا شروع می‌شود که ما می‌خواهیم همه احاد جامعه را با یک سبک و سیاق بیمه کنیم. با یک مثال ساده، موضوع روشن‌تر می‌شود. برای حمل و نقل شامی توانمند از حمل و نقل عمومی یا تاکسی یا اتومبیل در دست یا اتومبیل شخصی استفاده کنید. در هر کدام از اینها باز تنوع وجود دارد. همه این راه‌ها هم درست و کارساز است. همه این افراد هم به مقصد خواهند رسید. مشکل آنجا شروع می‌شود که فکر می‌کنیم همه باید از یک نوع وسیله نقلیه استفاده کنند. مثلاً می‌گوییم همه باید اتومبیل شخصی داشته باشند! مشکل در بیمه‌های اجتماعی هم مشابه است.

ما یک سازمان تأمین اجتماعی داریم و می‌خواهیم همه ریز و درشت بریزند در این صندوق. وی ادامه می‌دهد: در قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی تصریح شده که بیمه‌های خاص باید صندوق خاص و مشخص داشته باشند که در این صندوق، بسته‌های حمایتی مشاغل آزاد که نمی‌توانند حق بیمه بپردازند و بیمه‌پردازی را قطع می‌کنند، دولت با بسته حمایتی خاص، از او حمایت می‌کند. شما حساب کنید یک بیمه‌شده اجباری که الان با دستمزد ۱۰ میلیون تومان بیمه‌پردازی می‌کند، سه درصد سهم دولت بابت این بیمه شده، ۳۰۰ هزار تومان است (بگذریم از اینکه دولت سهم خود را نمی‌پردازد اما روی کاغذ این سه درصد، بدهی دولت به تأمین اجتماعی است و باید روزی پرداخت شود). از آن سو، یک بیمه‌شده مشاغل آزاد ۴۰۰ هزار تومان رانمی‌تواند بپردازد ولی دولت هیچ کمکی نمی‌کند. همین دولت، برای یک فردی که ۱۰ میلیون حقوق می‌گیرد، ۳۰۰ هزار تومان کمک می‌کند اما به

در مورد بیمه‌شدگان اختیاری و حتی گروه‌هایی از بیمه‌شدگان مشاغل آزاد که تمکن مالی مناسب ندارند و نمی‌توانند به‌طور مداوم بیمه پردازی انجام دهند، وظیفه دولت است که به میدان بیاورد و با ارائه بسته‌های حمایتی تفکیکی و مدون از طبقات فرودست و ناتوان، حمایت کند

فردی که اصلاً دستش لای در است و برای ۴۰۰ هزار تومان حق بیمه لنگ مانده، هیچ بسته حمایتی ندارد! به گفته اورنگ، اتحاد جامعه را با یک مشکل همه‌را با هم در یک جاکوار دادن، مشکل ایجاد کرده و به همین دلیل است که صندوق صاحبان حرف و مشاغل آزاد باید تأسیس شود. در این صندوق، باید آزمون و وسع انجام شود و حق بیمه‌ها بر اساس نتایج این آزمون، تعیین شده و البته بسته‌های حمایتی دولت را نیز باید داشته باشیم.

اورنگ تأکید می‌کند: «فشار تأمین اجتماعی نادرست نیست. تأمین اجتماعی می‌گوید من نمی‌توانم از این بگیرم و به آن بدهم. به یکدیگر کمک کردن در نهاد‌های بیمه‌گر ریسک دارد. ممکن است یکی از دو طرف از بین برود و به استفاده و سوءاستفاده می‌انجامد. اما آیارهش این است که بخشی از حق بیمه این افراد را دولت بدهد؟ این یک راهکار ممکن است ولی اگر این راه، تنها راه باشد، محل سوءاستفاده ایجاد می‌شود. همه می‌روند بیمه مشاغل آزاد می‌شوند و سوءاستفاده شکل می‌گیرد. پس باید برای این افراد، نرخ حق بیمه بر اساس وسع و تمکن متفاوت باشد. بسته حمایتی و تعهدات نیز متفاوت باشد و این یعنی استارت یک صندوق مستقل و جدا، باید به آن سمت برویم که سیستم بیمه پردازی ما علمی‌تر و تخصصی‌تر بشود.»

اما تا آن روزی که ما یک سیستم بیمه‌پردازی چندلایه و تخصصی داشته باشیم و گروه‌های اجتماعی مختلف بتوانند بر اساس قاعده عدالت از خدمات اجتماعی و حمایتی برخوردار شوند، باید دولت به دنبال راهکاری میان مدت و حتی کوتاه مدت برای افرادی باشند که مثل دست‌فروشان خیابان انقلاب، دیگر توان بیمه‌پردازی ندارند. مگر یکی از حقوق همگانی شهروندان در اصل ۲۹ قانون اساسی، بر خوراری از خدمات بیمه نیست؟!

اخبار کارگری

کارگران کنتورسازی قزوین برای چندمین بار دست به اعتراض زدند

فکری به حال کنتورسازی و کارگران مستاصل آن بکنید



صبح روز پنجشنبه (۲۱ شهریور) کارگران کنتورسازی قزوین برای چندمین بار در هفته‌های گذشته، دست به اعتراض زدند. این کارگران در مقابل دفتر امام جمعه قزوین جمع شدند. نماینده این کارگران به این‌ها گفت: از سال ۸۷ که شرکت خصوصی شد، مشکلات شروع شده است. از آن تاریخ تا امروز، از ۹۰۰ نفر رسیدیم به ۱۸۰ نفر. تعدادی بازنشسته شدند، تعدادی هم با خاتمه قرارداد هر سال بیکار شدند و اوضاع تولید هم نامرتب است. مدیرعامل و رئیس هیات مدیره هم به دلیل پرونده اقتصادی در بازداشت موقت هستند و مشکلات کارگران کنتورسازی ادامه دارد. در این چندساله به همه نهادها مراجعه کرده‌ایم اما هیچ کاری برای ما انجام نمی‌دهند. نماینده کارگران کنتورسازی در ارتباط با مطالبات مزدی پرداخت نشده حدود ۲۰۰ کارگر این واحد تولیدی گفت: ما از سال ۹۵ مطالبات نپرداخته نداریم. هر کارگر نزدیک به ۱۰ میلیون طلب دارد که برای پرداخت این مطالبات، حکم دادگستری را داریم. امسال نیز بعد از ۴ ماه کار کردن بدون حقوق، در شرکت راقفل و زنجیر کردند و گفتند مواد اولیه نداریم! دادگستری قزوین مواد اولیه آورد اما کار باز هم تعطیل است. کارفرما شروع به تولید نمی‌کند و می‌گوید این کارگران را نمی‌خواهم. برای ما عدم نیاز اعلام کرده است. نماینده کارگران با بیان اینکه نه حقوق می‌دهند نه بیمه را به موقع رد می‌کنند، ادامه داد: یک ما است آوارهایم. یا جلوی استانداری هستیم یا مقابل فرمانداری البرز. دفتر امام جمعه او تأکید کرد: از مسئولان می‌خواهیم فکری به حال کنتورسازی و کارگران مستاصل آن بکنند. ۱۰ سال پیش که این واحد را به بخش خصوصی دادند، باید فکر امروز را می‌کردند که نکرده‌اند. حالا هم باید برای شروع تولید و تمیم مدیریت این شرکت هم‌چنین پرداخت مطالبات انباشته کارگران فکری بکنند و گر نه «کنتورسازی» از دست می‌رود.

انتقاد وزیر رفاه از اجرائ شدن قانون استخدام معلولان

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از اجرائ شدن قانون استخدام معلولان در برخی دستگاه‌ها انتقاد کرد و گفت: سازمان بهزیستی هم اکنون پیگیر این موضوع است. به گزارش مهر، محمد شریعتمداری ادامه داد: متأسفانه شاهد عدم اقبال برخی از سازمان‌ها برای استخدام معلولان در سازمان‌های دولتی هستیم که قرار شد سازمان بهزیستی در سطح کشور این موارد را رصد کند. شریعتمداری تصریح کرد: سازمان بهزیستی کشور در حال پیگیری این موضوع است تا با اجرای آزمون در سازمان‌هایی که وابسته به دولت هستند شرایط را برای ورود معلولانی که توانایی انجام کار دارند تسهیل کند.

مستمری همسر فوت شده پس از ازدواج مجدد قطع نمی‌شود

قائم مقام مدیرعامل تأمین اجتماعی گفت: بر اساس قوانین موجود خانمی که همسرش فوت شده است می‌تواند پس از ازدواج مجدد همچنان مستمری همسر فوت‌شده‌اش را دریافت کند. به گزارش مهر، محمدحسن زاده پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا مستمری خانمی که پس از فوت همسرش، ازدواج مجدد می‌کند، قطع می‌شود؟ گفت: بر اساس قوانین موجود این امکان هست که در صورت ازدواج مجدد حقوق همسر محروم خود رادریافت کند و از آن بهره‌مند شود. البته مستمری فرد فوت شده در بین بازماندگانش تقسیم می‌شود. زدا افزود: البته شاید ما از نظر کارشناسی نقدی به این موضوع داشته باشیم ولی به محض اینکه قانون اجرائی شود با کمال افتخار آن را اجرائی می‌کنیم.

مرگ یک کارگر ساختمانی در چالوس

یک کارگر ساختمانی بر اثر سقوط از ساختمان در حال ساخت در ورزشگاه شهرستان چالوس، جان خود را از دست داد. به گزارش ایلنا، این کارگر ۴۲ ساله روز پنجشنبه (۲۱ شهریور) در حال کار در قسمت پله‌های ورزشگاه بود که به دلیل سقوط از ارتفاع به شدت مجروح شد و در دم جان باخت.



آن شرایطی فراهم نشود تا ما شاهد چنین حوادث تلخی که منجر به بی‌اعتمادی جامعه کارگری شود، نباشیم. در پایان از اینکه ریاست محترم قوه قضاییه با درک عمیق از حوادث به وجود آمده به موقع ورود کرده و با دستور منع تعقیب کارگران نیشکر هفت‌تپه مرهمی بر زخم کهنه کارگران نهاد، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

بیانیه اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در حمایت از کارگران هفت‌تپه:

نباید اعتراض‌های صنفی را با مسائل امنیتی پیوند زد

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با صدور بیانیه‌ای تأکید کرد: در شرایط فعلی اقتصاد کشور نباید با برخورد‌های امنیتی با کارگران معترض و نمایندگان آنها برای کشور چالش ایجاد کرد. به گزارش ایلنا، در این بیانیه که به امضای «حسن صادقی» رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری رسیده، آمده است: در شرایط عادی وقتی واحد اقتصادی به فعالیت خود ادامه می‌دهد و حق و حقوق کارگران به موقع پرداخت می‌شود تقریباً هیچ بنگاه اقتصادی را نمی‌توان نام برد که اعتراض‌های کارگری فعالیت‌های آن را مختل کرده باشد. اعتراض زمانی شکل می‌گیرد که حقوق کارگران پرداخت نمی‌شود و زندگی و معیشت کارگران به مخاطره می‌افتد و کارگر راه‌های متعارف را برای پیگیری سپری می‌کند ولی وقتی عملاً در اجرا، اثبات می‌شود که

راهی جز اعتراض باقی نمی‌ماند کارگر برای استیفای حقوق حداقلی که معیشت خانواده را به مخاطره انداخته به اعتراض برمی‌خیزد. این قاعده مختص ایران نیست و در همه جای دنیا رخ می‌دهد. قوانین و مقررات بین‌المللی سازمان بین‌المللی کار به خصوص در مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ این حق پذیرفته و توصیه اکید می‌کند که دولت‌ها آن را به رسمیت بشمارند.

در ادامه این بیانیه آمده است: بر این اساس مرسوم نیست که اعتراض‌های صنفی را با مسائل امنیتی پیوند بزیم و آن را مختل امنیت ملی تلقی کنیم و قوه قضاییه را وارد قضایا کنیم و برای اعتراض صنفی احکام طولانی مدت مثل زندان، تبعید، شلاق و امثال آن را صادر کنیم. طبیعی است وقتی شرایط اقتصادی بنا به دلایل متعدد نامتعادل می‌شود بنگاه‌های اقتصادی با

مشکلاتی روبرو می‌شوند که فعالیت آنها تحت تأثیر قرار می‌گیرد و به دنبال آن تنش‌های کارگری افزایش می‌یابد. شایسته است در این حالت مسئولان مربوطه علاج حادثه را قبل از وقوع پیش‌بینی کنند و برای آن چاره‌اندیشی کنند. در بخش دیگری از این بیانیه می‌خوانیم: متأسفانه طی سال‌های اخیر نه تنها این اتفاق رخ نداده است، بلکه در شرایط بحرانی خصوصی‌سازی هم که در ذات خود مشکلات کارگری را همراه دارد مزید بر علت شده است. اگر مسئولان استان‌ها و شهرستان‌ها در حوزه‌های مرتبط به موقع ورود کنند و به حل مشکل بپردازند، قطعاً شاهد چنین احکام دلخراشی که ذهن هر شهروند ایرانی و کارگران را مکدر می‌کند، نخواهیم بود. اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری ضمن اظهار نگرانی و تأسف عمیق خود از برخورد